

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۱۲ می ۲۰۱۴

آداب جنازه ۱۷

قیامت

روز قیامت به نام های متعددی مسمی گردیده است طوری که عالم جلیقدر اسلام امام ابن کثیر رحمه الله برای قیامت بیشتر از هشتاد نام ذکر نموده است (تفصیل این اسماء را می توان در رساله «النهاية / الفتن و الملاحم» (۲۵۵/۱) – (۲۵۶) تحقیق، د. طه زینی.) ملاحظه نمود. هر کدام از این اسماء معانی جداگانه ای را می رسانند که ما به ذکر بعضی از آنها در این رساله اکتفاء مینمائیم.

۱- الساعة:

خداوند می فرماید: «إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا» (غافر: ۵۹). «همانا شکی نیست که قیامت خواهد آمد».

۲- يوم البعث:

خداوند می فرماید: «لَقَدْ أَلَيْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبُعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ» (روم: ۵۶). «شما بدان اندازه که خداوند مقرر کرده بود تا روز قیامت ماندگار بوده اید پس این روز قیامت است».

۳- يوم الدين:

خداوند می فرماید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» «مالک روز جزا».

۴- يوم الحسرة:

«وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ» «آنان را از روز حسرت بترسان».

۵- الدار الآخرة:

«وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴). «همانا سرای آخرت حیات خوش و خرمی را دربردارد اگر فهم و شعور داشته باشند».

۶- يوم التناد:

خداوند می فرماید: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ» (غافر: ۳۲). «من بر شما از روز صدازدن می ترسم».

۷- دارالقرار:

خداوند می فرماید: «وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر: ۳۹). «همانا روز آخرت سرای ماندگاری و استقرار است».

۸- يوم الفصل:

خداوند می‌فرماید: «هَذَا يَوْمَ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ» (صافات: ۲۱). «این همان يوم الفصل است که شما آن را تکذیب می‌کردید».

۹- يوم الجمع:

خداوند می‌فرماید: «وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ» (شوری: ۷). «از روز گردهم‌آنی که شک و تردیدی در آن نیست بیم دهی».

۱۰- يوم الحساب:

خداوند می‌فرماید: «هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ» (ص: ۵۳). «این چیزها برای روز حساب و کتاب وعده داده می‌شوند».

۱۱- يوم الوعيد:

خداوند می‌فرماید: «وَتُنْفَخُ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ» (ق: ۲۰). «و در صور دمیده می‌شود آن روز وعده داده شده است».

۱۲- يوم الخلود:

خداوند می‌فرماید: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ» (ق: ۳۴). «بسلامت داخل شوید، امروز روز جاودانگی است».

۱۳- يوم الخروج:

خداوند می‌فرماید: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ» (ق: ۴۲). «روزی صیحه را درست می‌شنوند آن روز بیرون آمدن است».

۱۴- الواقعة:

خداوند می‌فرماید: «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ» (واقعه: ۱). «هنگامی که واقعه (روز قیامت) اتفاق می‌افتد».

۱۵- الحاقة:

خداوند می‌فرماید: «الْحَاقَّةُ * مَا الْحَاقَّةُ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ» (حاقة: ۱-۳). «رخداد راستین، آن رخداد راستین چیست، تو چه می‌دانی رخداد راستین چیست».

۱۶- الطامة الكبرى:

خداوند می‌فرماید: «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى» (نازعات: ۳۴). «هنگامی که بزرگترین حادثه فرا می‌رسد».

۱۷- الصاخة:

خداوند می‌فرماید: «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَةُ» (عبس: ۳۳). «پس هنگامی که صدای هراس‌انگیز می‌آید».

۱۸- الأزفة:

خداوند می‌فرماید: «أُزِفْتُ الْأَزْفَةَ» (نجم: ۵۷). «آن نزدیک شونده (روز قیامت) نزدیک شده است».

۱۹- القارعة:

خداوند می‌فرماید: «الْقَارِعَةُ * مَا الْقَارِعَةُ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ» (قارعه: ۱-۳). «بلای بزرگ، بلای بزرگ چیست، تو چه می‌دانی بلای بزرگ چیست».

۲۰- يوم القيامة:

این اسم در هفتاد آیه آمده است، مثل: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» [النساء: ۸۷]. «خداوند، معبودی جز او نیست! و به یقین، همه شما را در روز قیامت - که شکی در آن نیست- جمع می‌کند».

۲۱- اليوم الآخر:

خداوند می‌فرماید: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ» [البقرة : ۱۷۷]. «بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز آخرت، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده».

۲۲- الغاشية :

خداوند می‌فرماید: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» [الغاشية : ۱]. «آیا داستان غاشیه [روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می‌پوشاند] به تو رسیده است؟!»

۲۳- يوم التغابن :

خداوند می‌فرماید: «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ» [التغابن : ۹]. «این در زمانی خواهد بود که همه شما را در روز اجتماع [روز رستاخیز] گردآوری می‌کند؛ آن روز روز تغابن است (روز احساس خسارت و پشیمانی)».

مجازات انسان دربرزخ قبل از قیامت:

کلمه برزخ در لغت به معنای فاصله و حائل میان دو چیز را گویند. در اصطلاح شرعی برزخ عالمی را گویند که بین دنیا و آخرت قرار دارد و انسان پس از مرگ تا روز قیامت در آن می‌ماند.

طوری که پروردگار با عظمت ما در سوره (مؤمنون آیت ۱۰۰) می‌فرماید: «وَمَنْ وَرَّاهُمْ بَرْزَخِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» انسانها در برزخ به طور کامل به ثواب یا پاداش و یا عقاب اعمالشان نمی‌رسند بلکه در این میان و تا روز قیامت که الله تعالی هر وقت اراده نمود و قیامت را برپا کنند، خواهند ماند و تا آنروز مکانی است برای عذاب و ثواب انسانها نه به صورت کلی.

در صحیحین از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقَالُ هَذَا مَقْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» صحیح بخاری (۱۳۷۹) ، صحیح مسلم (۲۸۶۶).

«هر وقت، یکی از شما فوت کند، صبح و شام، جایگاهش به او عرضه می‌شود. اگر بهشتی باشد جایگاهش در بهشت و اگر دوزخی باشد، جایگاهش در دوزخ، به او نشان داده می‌شود. و به او گفته می‌شود: این، جای توست تا روز قیامت که خداوند تو را حشر می‌نماید».

به علاوه قیامت برای همه انسان ها در یک روز تحقق می‌یابد چرا که زمین و آسمان باید دگرگون گردد و عالمی نو ایجاد شود و حیات نوین انسان ها در آن صورت گیرد بنابراین در میان دنیا و آخرت برزخی قرار داده شده است و مردگان به آن جا می‌روند و تا آخر دنیا و برپا شدن قیامت در آن جا خواهند بود و پس از پایان دنیا با یک دیگر محشور می‌شوند زیرا ممکن نیست هر انسان برای خود مستقل قیامت داشته باشد. چرا که قیامت بعد از فناء دنیا و تبدیل زمین و آسمان به زمین و آسمان دیگری است.

سؤالات قابل طرح در روز قیامت:

انسانها در مورد معبودی که عبادت کرده‌اند، مورد سؤال قرار می‌گیرند. از آنان سؤال می‌شود که پیامبران را اجابت کرده‌اند یا خیر؟

انسانها درباره اعمالی که انجام داده‌اند و از نعمتهائی که در دنیا از آنها بهره برده‌اند و از عهد و پیمانها و از گوش، چشم و دلهایشان سؤال خواهد شد. در این بحث از موارد ذکر شده صحبت خواهد شد.

۱- کفر و شرک

مهمترین سؤالی که روز قیامت از انسانها به عمل می آید راجع به کفر و شرک است. از آنها درباره معبودهایشان سؤال می شود. خداوند می فرماید: آیت: «وَقِيلَ لَهُمْ أَيُّ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ * مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُوكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ». الشعراء: ۹۲ - ۹۳

(و بدیشان گفته می شود: کجا هستند معبودهایی که پیوسته آنها را عبادت می کردید؟ (معبودهای) غیر از خدا. آیا آنها (در برابر این شدائد و سختیهای که اکنون با آن روبه رو هستید و هستند) شما را کمک می کنند یا خویشتن را یاری می دهند؟).

«وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيُّ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَرْعُمُونَ». القصص: ۶۲

(روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می دارد و می گوید: انبازهایی که برای من گمان می بردید کجایند؟! (ای مشرکان! حالا که حجابها و پرده ها کنار رفته اند و هنگامه حساب و کتاب و گرفتاری و درماندگی است، بگوئید بته و خداگونه های انس و جنی که می پنداشتید و می پرستیدید بیابند و شما را از عقاب و عذاب آفریدگار برهانند).

انسانها درباره این که غیر از خدا چه کسی را عبادت می کردند و این که جانوران و انواع هدایا را به معبودهای باطل تقدیم می کردند مورد سؤال قرار خواهند گرفت آیت: «وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيْبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاهًا لِنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ». النحل: ۵۶

((کافران) برای بتهائی که چیزی نمی دانند (زیرا که جمادند)، بهره ای (از حیوانات و ارزاق خود) که ما بدیشان داده ایم قرار می دهند (و بدین وسیله بدانها تقرب می جویند). به خدا سوگند! (در دادگاه قیامت) از این دروغ و بهتانها بازپرسی خواهید شد (و سزای کردارتان داده می شود)).

و راجع به تکذیب پیامبران مورد سؤال قرار می گیرند: آیت: «وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ * فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ». القصص: ۶۵ - ۶۶

((خاطر نشان ساز) روزی را که خداوند مشرکان را فریاد می دارد و می گوید: به پیغمبران چه پاسخی دادید؟ در این هنگام (بر اثر حیرت و دهشت) همه خبرها از یادشان می رود (و جملگی دچار فراموشی می شوند و سخنی برای گفتن نخواهند داشت و حتی از هول و هراس) نمی توانند چیزی از یکدیگر هم بپرسند).

۲- در دنیا چه عملی را انجام داده اند؟

انسان در مورد اعمالی که در دنیا انجام داده است مورد بازخواست قرار می گیرد. «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ». الحجر: ۹۲ - ۹۳ (به پروردگارت سوگند! که حتماً (در روز رستاخیز از آنچه در دنیا مردمان انجام می دهند) از جملگی ایشان پرس و جو خواهیم کرد. (سؤال و بازخواست می کنیم) از کارهایی که (در جهان) می کرده اند).

«فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ». الأعراف: ۶

((در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که پیغمبران به سوی آنان روانه شده اند می پرسیم (که آیا پیام آسمانی به شما رسانده شده است یا خیر و چگونه بدان پاسخ داده اید؟) و حتماً از پیغمبران هم می پرسیم (که آیا پیام آسمانی را رسانده اید و از مردمان در قبال فرمان یزدان چه شنیده و چه دیده اید؟)).

در سنن ترمذی از ابی برزه اسلمی رضی الله عنه روایت شده که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا تزول قدما عبد يوم القيامة، حتى يسأل عن عمره فيم أفناه، وعن علمه فيم فعله، وعن ماله من أين اكتسبه وفيم أنفقه؟ وعن جسمه فيم أبلاه؟» جامع الاصول (۴۳۶/۱۰) و شماره آن: ۷۹۶۹.

(در روز قیامت هیچ کس نمی تواند قدم بردارد تا این که در مورد چهار چیز از او سؤال نشود:

- ۱- عمرش را در چه چیزی صرف نمود.
 - ۲- مقطع جوانی را با چه چیزی به سر برد.
 - ۳- تا کجا به علم و دانشش عمل کرد.
 - ۴- مال و ثروتش را از چه راهی کسب کرد و در چه چیزی خرج نمود).
- باز در سنن ترمذی از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا تزول قدم ابن آدم يوم القيامة من عند ربه، حتى يسأل عن خمس: عن عمره فيم أفناه؟ وعن شبابه فيم أبلاه؟ وعن ماله من أين اكتسبه، وفيم أنفقه، وماذا عمل فيما علم».

(در روز قیامت هیچ کس نمی‌تواند در حضور پروردگار قدم بردارد تا این که در مورد پنج چیز از او سؤال نشود:

- ۱- عمرش را در چه چیز صرف نمود.
- ۲- وقت جوانی را با چه چیزی بسر برد.
- ۳- مال و ثروتش را از چه راهی کسب کرد.
- ۴- مال و ثروتش را در چه چیزی خرج نمود.
- ۵- تا کجا به علم و دانشش عمل کرد).

آنچه که در حدیث مذکور و یا امثال آن قابل توجه و دقت است، اینست که: رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمانان را به سوی احتیاط و تخفیف در جمع آوری اموال دعوت می‌کند، زیرا به هر اندازه که مال انسان زیاد باشد، مدت محاسبه‌اش نیز به همان میزان زیاد و طولانی خواهد بود. و به هر میزان که مال و دارائی‌اش اندک باشد، مدت زمان حسابش به همان میزان کوتاه بوده و به سرعت تمام به جنت برده می‌شود.

از رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمود: «إن فقراء المهاجرين يسبقون الأغنياء، يوم القيامة إلى الجنة بأربعين خريفاً» (مهاجرین فقراء به مدت چهل سال جلوتر از مهاجرین اغنیاء به جنت برده می‌شوند).

۳- نعمت هائی که مورد استفاده بوده‌اند:

خداوند روز قیامت از نعمت‌هائی که در دنیا به انسان داده است، سؤال می‌کند. می‌فرماید:

«ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». (سورة التكاثر: آیت ۸) (سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهید شد).

مقصود از نعمت موارد زیر می‌باشند: شکم سیر، آب خنک، سایه خانه و مسکن، تعدیل در ساختار جسم و روح و لذت خواب.

سعید بن جبیر رضی الله عنه می‌گوید:

حتی یک جرعه غسل مورد بازخواست واقع می‌شود. مجاهد می‌گوید: تمام لذات دنیوی شامل بازخواست می‌باشند، حسن بصری می‌گوید: نعمت صبح و شام نیز از جمله نعمت هائی هستند که انسان در مورد آنها سؤال قرار خواهد گرفت.

ابن عباس می‌گوید: نعیم عبارت است از: صحت جسم، چشم و گوش. تفسیر ابن کثیر: (۳۶۴/۷)

انواع نعمت‌هائی که شمرده شدند، از باب تنوع در تفسیر نعمت بود و گونه نعمت‌های خداوند بسیار زیادند و قابل شمارش نیستند: «وَأِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (سورة إبراهيم: آیه ۳۴)

(و اگر بخواهید نعمتهای خدا را بشمارید (از بس که زیادند) نمی‌توانید آنها را شمارش کنید).

بعضی نعمتها ضروری و برخی دیگر از مکملات هستند و مردم نیز در ارتباط با نعمت یک سان نیستند. مردم یک دوران از نعمت هائی بهره می‌جویند که در دوره بعدی یا قبلی وجود نداشته و ندارند. در شهری نعمت هائی یافت می‌

شوند که در شهر دیگر یافت نمی شوند. انسانها از تمام این نعمتها مسؤول خواهند بود. در سنن ترمذی از ابی هریره روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«إن أول ما يسأل العبد عنه يوم القيامة من النعيم أن يقال له: ألم نصح لك جسمك؟ ونروك من الماء البارد». مشكاة المصابيح: (۶۵۶/۲) و شماره آن: (۱۵۹۶).

(روز قیامت اولین سؤالی که در باره نعمت ها از انسان پرسیده می شود این است که: آیا جسمی سالم را به تو نداده بودیم؟ و از آب سرد تو را سیراب نکرده بودیم؟).

بعضی از مردم نعمت های بزرگ و با ارزش الهی را که به آنان عنایت شده اند، درک نمی کنند و قدر نعمت یک جرعه آب، یک لقمه طعام، مسکن، همسر و فرزندان را نمی دانند و نعمت را تنها در ساختمانهای مجلل، باغ ها و سواری های آخرین مدل منحصر می دانند.

شخصی از عبدالله بن عمرو بن العاص سؤال کرد و گفت آیا ما از مهاجرین فقراء نیستیم؟ عبدالله از وی سؤال کرد: آیا همسر داری که نزد وی بروی؟ گفت: دارم، بعد سؤال کرد: آیا منزلی برای سکونت داری؟ گفت: دارم. عبدالله بن عمرو گفت: پس تو از ثروتمندان هستی. آن شخص گفت: علاوه بر این من خدمت گزارانی نیز دارم، عبدالله بن عمرو گفت: پس تو از جمله سلاطین هستی. صحیح مسلم: (۲۲۸۵/۴) و شماره آن: (۲۹۷۹).

در صحیح بخاری از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «نعمتان مغبون فیهما کثیر من الناس: الصحة والفراغ».

(دو نعمت وجود دارند که بسیاری از مردم در ارتباط با آنها دچار ضرر و زیان هستند: تندرستی و فراغت وقت). معنی حدیث این است که اغلب مردم در شکر و قدردانی از این دو نعمت کوتاهی می کنند، و به مقتضای آن دو، عمل نمی کنند و هرکس به مقتضای آنچه که بر وی واجب است عمل نکند، در خسارت است.

در مسند احمد آمده است که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا بأس بالغنی لمن اتقى الله عز وجل، والصحة لمن اتقى الله خیر من الغنی، وطیب النفس من النعم».

(کسانی که از معصیت خداوند می ترسند ثروت برای آنها هیچ اشکالی ندارد. تندرستی برای کسانی که از خداوند می ترسند، از ثروت بهتر است، و نفس پاکیزه از جمله نعمت ها است).

در صحیح مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «یلقى (الرب) العبد فیقول: ای قل، ألم أکرّمک، وأسودک، وأزوجک، وأسخر لک الخیل والإبل، وأذکرک ترأس وتربع؟ فیقول: بلی. قال: فیقول: أفضننت أنک ملاقی؟ قال: فیقول: لا. فیقول: فإنی أنساک کما نسیتنی. ثم یلقى الثانی فیقول: ای قل، ألم أکرّمک، وأسودک، وأزوجک، وأسخر لک الخیل والإبل، وأذکرک ترأس وتربع؟ فیقول: بلی. ای رب، فیقول: أفضننت أنک ملاقی؟ فیقول: لا. فیقول: فإنی أنساک کما نسیتنی. ثم یلقى الثالث، فیقول له مثل ذلک. فیقول: یا رب أمنت بک وبکتابک وبرسلک وصلیت وصمت وتصدقت، وبثنی بخیر ما استطاع. فیقول: ههنا اذن».

قال: ثم ینال له: الآن نبعث علیک شاهداً علیک، ویتفکر فی نفسه، من ذا یشهد علی؟ فیختم الله علی فیه. ویقال لفخذه ولحمه وعظامه: انطقی فتناطق فخذه ولحمه وعظامه بعمله. وذلك لیعذر من نفسه. وذلك المنافق الذی یسخط الله علیه».

(وقتی که بنده با پروردگارش ملاقات می کند، پروردگار از وی سؤال می کند: ای فلانی! آیا از تو احترام نگرفتیم؟ سیادت و بزرگی را به تو ندادم؟ همسر به تو ندادم؟ گاو و شتران را در اختیار تو نگذاشتیم؟ که تو بر آنها سیادت نکردی؟ بنده در جواب می گوید: آری، پروردگار از وی سؤال می کند، آیا تو گمان کردی که روزی با من ملاقات می کنی و برای چنین کاری خود را آماده کرده ای؟ بنده می گوید: خیر. پروردگار می گوید: همانطور که تو مرا فراموش

کردی، من نیز امروز تو را به فراموشی می سپارم. با نفر دومی ملاقات می کند، همان گفت و گو میان او و پروردگارش انجام می گیرد.

بعد خداوند نفر سومی را ملاقات می کند. همان سؤال را از وی می پرسد، می گوید: پروردگار! به تو و به کتاب تو و پیامبر تو ایمان آورده ام، نماز خوانده ام، روزه گرفته ام و صدقه داده ام، و تا می تواند پروردگارش را تعریف می کند. آنگاه پروردگار به او می گوید: بس است.

سپس خداوند به او می گوید: آیا گواهی علیه تو بیاوریم، او به خود می اندیشد. چه کسی علیه من گواهی می دهد؟ خداوند بر دل او مهر می زند و به ران، گوشت و استخوانهای او حکم می شود: سخن بگوئید. آنگاه ران، گوشت و استخوانهای او پیرامون اعمالی که انجام داده است سخن می گویند تا عذری برای گناهانش باقی نمانده باشد و این معامله با منافقینی که مورد خشم خداوند هستند صورت خواهد گرفت).

سؤال از نعمت، در واقع سؤال از انجام شکر و سپاس در برابر نعمت هائی است که خداوند به انسان عنایت کرده است. هرگاه انسان شکر کند، در واقع حق نعمت را به جا آورده است. اما اگر منکر شود و از نعمت قدردانی نکند، خداوند بروی خشم خواهد کرد.

در صحیح مسلم از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لِيرِضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ، فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا، أَوْ يَشْرِبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا». (خداوند از بنده راضی و خشنود می شود وقتی که لقمه را بخورد و در برابر آن خدا را سپاس گوید، یا یک جرعه آب بنوشد و در برابر آن خدا را سپاس گوید). مشکاة المصابیح و شماره آن: ۴۲.

۴- عهد و پیمان:

خداوند انسانها را در برابر عهد و پیمانی که با او بسته اند مورد بازخواست قرار می دهد. آیت: «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤْلُونَ الْأَذْبَانَ وَكَانَ اللَّهُ مَسْئُولًا». الأحزاب: ۱۵

(آنان قبلاً با خدا عهد و پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند و نگریزند (و در دفاع از اسلام و مسلمین بایستند). عهد و پیمان خدا پرسش دارد (و از وفای بدان بازخواست می شود)).

و هرگونه عهد و پیمان جایز و مشروعی که میان انسانها بسته شود، خداوند درباره ایفاء و عدم ایفاء آن سؤال خواهد کرد. می فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا». الإسراء: ۳۴

(و به عهد و پیمان (خود که با خدا یا مردم بسته اید) وفا کنید، چرا که از (شما روز رستاخیز درباره) عهد و پیمان پرسیده می شود).

۵- گوش، چشم و دل:

خداوند انسانها را در برابر تمام گفته هایشان مورد سؤال قرار می دهد. اینجا است که انسانها را از گفتن سخنان بدون علم و مدرک برحذر داشته است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا». (سوره الإسراء: ۳۶)

(از چیزی دنباله روی مکن که از آن ناآگاهی. بی گمان (انسان در برابر کارهایی که) چشم و گوش و دل همه (و سایر اعضاء دیگر انجام می دهند) مورد پرس و جوی از آن قرار می گیرد).

قتاده می گوید: راجع به آنچه که دیده ای یا ندیده ای، شنیده ای یا نشنیده ای، می دانی یا نمی دانی، چیزی نگو، زیرا خداوند راجع به همه اینها از تو سؤال خواهد کرد.

این کثیر می گوید: خلاصه آنچه که در آیت بیان گردید، این است که خداوند متعال از گفتن سخن بدون علم و مدرک نهی کرده است حتی سخن مزنون و مشکوک را نیز جایز نشمرده است می فرماید:

« اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ». (سوره الحجرات: ۱۲) (از بسیاری از گمانها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است).

در حدیث آمده است: « إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث ». (نزدیک گمان نروید، زیرا که گمان از بزرگترین دروغ است)

در سنن ابو داود آمده است: بدترین سواری و تکیه گاه انسان این است که به ظن و گمان سخن گوید و در حدیثی دیگر آمده است: «إن أفرى أفرى أن يرى الرجل عينيه ما لم تريا». (بزرگتر از همه دروغ ها این است که انسان به چشم خود نشان دهد آنچه را که چشم ندیده).

و در حدیثی صحیح آمده است: « من تحلم حلمًا كلف يوم القيامة أن يعقد بين شعيرتين وليس بفاعل ». تفسیر ابن کثیر: (۳۰۸/۴).

(هرکس به دروغ بگوید: من خواب دیده‌ام، روز قیامت به وی امر می شود تا دو دانه جو را گره زند و او هرگز قادر به این کار نخواهد بود).

ادامه دارد